



۲۰۱۷/۰۱/۱۸



دوکتور محمد ظاهر عزیز

حالت زار و ابتر معارف افغانستان

قسمت دوم

الف - بازگشت به مکتب و تعداد شاگردان در مکاتب افغانستان:

با محرومیت هایی که فرزندان افغان برای کسب تعلیم و دانش مبتلا بودند، در سال ۲۰۰۲م هزارها دختر و پسر افغان با شعار (بازگشت به مکتب) در شهرهای بزرگ به مکتب رو آوردند و این حرکت شایسته که با کمک سازمان های بین المللی چون یونسکو، یونیسف، اداره انکشافی ملل متحد و دول بزرگ جهان، امریکا، جاپان، جامعه اروپای غربی و دیگر کشورها، پشتیبانی شد، نوید بزرگی را برای انکشاف معارف در افغانستان به میان آورد و مادران و پدران را در جهت آینده نیک و پر بار فرزندان شان امیدوار ساخت.

به همین منظور بود که برای احیا و انکشاف تعلیم و تربیه همگانی، با کیفیت، متوازن و خاصاً برای تثبیت یک سیاست و ستراتیژی کوتاه مدت و درازمدت که همه جنبه های انکشاف معارف (تعلیمات عمومی، تعلیمات مسلکی و تحصیلات عالی) را در افغانستان دربر گیرد، در سال ۲۰۰۳ میلادی نمایندگی دائمی افغانستان در یونسکو و ایسیسکو با همکاری یونسکو، کمیسیون عالی مستقل متخصصین تعلیم و تربیه را که متشکل بر متخصصین آزموده و متجرب افغان بود، تأسیس و شروع به کار نمود. این کمیسیون کار خود را در مدت کوتاه تکمیل نمود و گزارش خود را تحت عنوان (احیا و انکشاف تعلیم و تربیه در افغانستان) به سه زبان (دری، پشتو و انگلیسی) تهیه نموده به رئیس جمهور وقت (جناب کرزی)، وزارت های معارف، تحصیلات عالی و دیگر وزارت های مربوط تقدیم کرد. گزارش مذکور به کنفرانس عمومی یونسکو نیز تقدیم شد و از طرف کنفرانس عمومی یونسکو تقدیر و تصویب گردید.

آرزو و پیشنهاد های کمیسیون عالی مستقل تعلیم و تربیه و سازمان یونسکو که به صحنه کنفرانس عمومی یونسکو نیز رسیده بود، این بودند که وزارت معارف و وزارت تحصیلات عالی از پیشنهادات واضح و نهایت عملی کمیسیون، برنامه های قصیر المدت، میان مدت و طویل المدت برای انکشاف معارف با کیفیت و متوازن طرح نمایند و احیای دوباره معارف را در افغانستان به طوری پایه گذاری نمایند که هم در کمیت و هم در کیفیت معارف تأثیر عمیق و مثبت داشته باشد. ضمناً کمیسیون توصیه نموده بود که در طول سالهای بعدی سیاست، پلان گذاری، نصاب تعلیمی و صورت اجرای تعلیم و تربیه بنا بر ضرورت کشور در تمامی امور معارف البته به توصیه متخصصین و استفاده از تکنالوجی، تعدیل، تجدید گردیده انکشاف یابد تا وطن ما و فرزندان افغان از کاروان انکشاف دانش به عقب نمانند. اما افسوس که توصیه های متخصصین متجرب افغان که هر یک بیش از بیست سال در انکشاف تعلیم و تربیه در

افغانستان و بیرون از افغانستان، تجربه کاری مسلکی داشتند، بعد از چندی از طرف وزارت معارف و وزارت تحصیلات عالی فراموش شد. وزارت معارف به توصیه ها و پیشنهادات یونسکو نیز توجه نکرد.

من نهایت خوشحالم که امروز صدها هزار فرزند دختر و پسر افغان به مکتب می روند و در تعداد شاگردان مکاتب از سال ۲۰۰۲ میلادی تا حال افزودی قابل ملاحظه به عمل آمده است. اما، با تأسف که تعلیم و تربیت فرزندان افغان مانند دیگر کارهای حکومت افغانستان مخصوصاً در سال های اخیر حکومت آقای کرزی، دستخوش دروغ های سیاسی شد. در بیانیه ها و گزارش ها به ناحق معارف افغانستان را پندادند و تعداد شاگردان مکاتب را در جریان سال های آخر به یازده میلیون و پنج صد هزار شاگرد بالا بردند، که این رقم و احصائیه، دروغ محض و کاملاً ساخته دست مقام های عالی و تصمیم گیر وزارت معارف در جهت استفاده نامشروع و دزدی از کمک های جامعه بین المللی بود که امروز به صورت روشن برملا شده است. با ارائه گزارش های دروغین، شاگردان هوایی، مکاتب هوایی و معلمان هوایی، خاک به چشم های مردم افغانستان و جامعه بین المللی پاشیدند و به این صورت فساد گسترده را در وزارت معارف عمل روزمره و کار عادی ساختند. من با صلاحیت مسلکی به صفت معلم متجرب و شاگرد تعلیم و تربیه می گویم که تعداد شاگردان دختر و پسر که امروز به مکتب می روند بالاتر از شش میلیون شاگرد نیست و اگر شش میلیون فرزند افغان هر روز به مکتب بروند، من می گویم، شاد باش وزارت معارف.

من در مورد دلائل عدم موفقیت وزارت معارف بر پس ماندگی تعلیم و تربیه در کشور به تفصیل در این نوشته اشاره خواهم کرد. در اینجا تذکر می دهم که ارائه احصائیه وزارت معارف در زمان رژیم قبلی مبنی بر اینکه در کشور ما یازده میلیون و پنجصد هزار شاگرد هر روز به مکتب می رفتند، نه تنها دروغ است، بل خاک انداختن به چشم معارف در کشور است، فلذا قابل تقبیح نیز است چون که چنین دروغگویی ها فرزندان افغان را به دروغگویی و خیانت در تعلیم و تربیه که تعمیم آن از اهداف عالی در هر کشور جهان محسوب می گردد، عادت می دهد.

ب - کیفیت و ظرفیت تعلیم و تربیه در افغانستان:

یکی از پس مانده گی های عمده معارف وطن ما، عدم کیفیت تعلیم است و این امر مشکلات عمده را در سطح دانش و فرهنگ عمومی مردم وطن بار آورد است. فرزندان ما که دسترسی به تعلیم دارند، به مکتب می روند، اما با سواد اندک و یا دانش کم که قطعاً او را در بهبود حیات فردی، خانواده گی و سهمگیری در ارتقای کشور کمک نمی تواند، از مکتب فارغ می شوند و کاغذی که ارزش علمی و مسلکی ندارد به دست می آورند.

من به معلمان کشور ما احترام خاص دارم، زیرا می دانم که وظیفه معلم مقدس است، اما به پیاده نکردن تعلیمات مسلکی شایسته برای بلند بردن سوئیة تعلیمات دارالمعلمین ها و معلمان شامل خدمت، معلمان نتوانستند به ارتقای سوئیة تعلیمات مسلکی دسترسی داشته باشند. من میدانم که وزارت معارف برنامه های ارتقای سوئیة تعلیمات عمومی و مسلکی معلمان را با (ان. جی. او.) هایی که کوچکترین دانشی در تعلیم و تربیه مسلکی معلم داشته باشند، قرار داد نموده، به آنها دادند و به اینصورت میلیون ها دالر را به خاک سپردند. در این راه کشور های کمک کننده و بانک جهانی نیز مقصر اند.

من هیچ (ان. جی. او.) را نه در کشورهای پیشرفته و نه در کشورهای پس مانده می شناسم که در مسلک خیلی پیچیده و مهم تعلیمات مسلکی تربیه معلم، صلاحیت و شخصیت مسلکی داشته باشد. اما در وطن ما هرکس هر کاری را انجام داده می تواند. حتی اداره تربیه معلم به دست کسان غیر مسلکی سپرده شده است.

ضمناً می دانیم که امروز حتی در پایتخت کشور و حوالی آن، شاگردان محض دو ساعت درس می خوانند. شما خود قضاوت نمایید که در نبود نصاب تعلیمی مناسب، و در نبود معلم مسلکی و در نداشتن کتاب درسی مناسب، شاگرد با دو ساعت در صنف از معلمی که دانش مسلکی اندک دارد چه می آموزد؟

خلاصه این که سویه تعلیمی در کشور در مکاتب ابتدایی، لیسه ها، مکاتب مسلکی، دارالمعلمین ها و پوهنتون ها، مؤسسات تعلیمات عالی به پائین ترین درجه کیفیت و ظرفیت تعلیمی قرار دارد.

من آرزومند بودم که حکومت وحدت ملی تحت قیادت رئیس جمهور و یا رئیس اجرائیه در شروع کار و خدمت گزاری خود به کشور و مردم افغانستان، وظیفه مهم و مقدس شان را که بهبود حالت زار و ابتر تعلیم و تربیه در کشور است، جدی و مهم می گرفتند. کسانی را برای رهبری تعلیمات عمومی و عالی انتخاب می نمودند که توانایی علمی، مسلکی، تخصص و شایستگی، پاک نفسی و وطن خواهی حقیقی را داشته باشند. در غیر آن بیسوادی قابل ملاحظه مردم کشور خاصاً زنان که امروز مرض کشنده ارتقای فرهنگ و دانش در کشور است، دائماً گریبانگیر مرد و زن افغان خواهد بود. باید با صداقت اظهار نمایم که این آرزو هم برآورده نشد.

ج- دلایل موجه بر پس مانده گی معارف بی کیفیت در کشور:

من گفتم که برنامه انکشاف تعلیم و تربیه در سطوح تعلیمات عمومی، مسلکی و عالی در سال های ۲۰۰۲ میلادی و چند سال بعد با خوشبینی و با مشورت سازمان های تخصصی ملل متحد، یونسکو و دیگر سازمان ها و همچنان با همکاری مالی بانک جهانی و کشورهای دوست افغانستان آغاز شد و تا چند سال اول، با همه مشکلات و حتی نبود دستگاه و ادارات دولتی فعال، به پیشرفت های خوب نائل گردید. اما، بعداً به مشکلات اداری، فساد گسترده و دیگر عواملی مبتلا شد که من عمده ترین آنها را ذکر می نمایم:

۱- معارف، مانند دیگر امور کشور، دچار مرض سیاسی گردید و توجه مسؤولان بیشتر به نشر احصائیه های نادرست و دروغین، افزودی شاگردان به مکتب، معطوف شد. به عبارت دیگر معارف را آله تبلیغات سیاسی و نشراتی در داخل و خارج از افغانستان ساختند. خارجی ها، کشور های کمک کننده و بانک جهانی می دانستند که این نوع گفته ها دروغ و ساختگی است، اما خود را چپ گرفتند.

۲- رهبری و اداره معارف را به کسانی سپردند که با دستگاه سیاسی ریاست جمهوری نزدیکی خاص داشتند، اما کمترین صلاحیت و تعلیم مسلکی، تجربه کاری و یا تخصصی در امور تعلیم و تربیه را صاحب نبودند. رهبری معارف در دست کسانی سپرده شد که یک روز هم در یک مکتب درس نداده اند و یا یک کورس مسلکی تعلیم و تربیه را نگرفته بودند. این معمول هنوز هم از طرف حکومت وحدت ملی تعقیب و ادامه داده می شود.

۳- از مشورت و پیشنهادات متخصصین افغان در امور و شقوق تعلیم و تربیه، اداره تعلیم و تربیه، امور اقتصادی و انکشافی تعلیم و تربیه یا هیچ استفاده نشد و یا کمترین استفاده گردید. دستگاه اداری و تصمیم گیر معارف تنها به مشورت های مشاورین ارشد و نیمه ارشد (ان. جی. او.) ها و جوان های کم تجربه و غیر مسلکی در امور تعلیم و تربیه، با دادن معاشات دالری خیلی بالا، اکتفا کردند.

۴- از نصاب تعلیمی پیشرفته و تهیه مواد درسی، از آنجمله کتب درسی مناسب که با دانش و دست کاری متخصصین تعلیم و تربیه مطابق به نصاب تعلیمی پیشرفته تهیه گردد و در مؤسسات تربیه معلم و مکاتب تجربوی به کار برده

شود، خیر خوش آیندی در دست نیست. کتب درسی با صد ها غلطی املائی و انشایی در خارج از کشور حتی در اندونیزیا با مصرف هنگفت چاپ و تهیه شد. وزارت معارف حتی نتوانست مطبوعه معارف را دوباره احیا نماید.

۵- معارف و اداره معارف افغانستان دچار فساد گسترده و خیانت عمده گردید. مکاتب هوایی، معلمان هوایی و شاگردان هوایی را خلق کردند. کمک های جامعه بین المللی را به مهارت زیاد دزدیدند. امروز هیأت دولتی ثابت کرده است که ملیون ها دالر را به نام معاش معلم، تعمیر مکاتب و تهیه کتب و دیگر وسایل تعلیمی دزدیده اند. این گزارش که در دست مسؤلین اداره جناب رئیس جمهور است، باید در دست پدران و مادران فرزندان افغان که به نام آنها پول های وافر را دزدیده اند، از طریق رسانه های همگانی به دسترس مردم افغانستان قرار گیرد. این خیانت بزرگ یعنی خیانت در حق فرزندان افغان نباید پوشیده بماند. جنابان رئیس جمهور و رئیس اجرائیه در برابر مردم افغانستان مسؤولیت بزرگ دارند. من میگویم که فساد در دستگاه معارف و دزدی از فرزندان افغان خیانت بزرگ ملی محسوب میگردد و به صورت خاص قابل تقبیح و پرسیان است. آنانی که دزدیده اند باید جواب خیانت های خود را بگویند. رئیس جمهور حق ندارد خیانت خاننان را به منظور معاملات سیاسی امروز و یا فردا پنهان نماید.

جناب رئیس جمهور،

من به صفت یکی از اتباع این کشور در حال فقر و بیسوادی، و ملیون ها زن و مرد افغان، آنانی که فرزندان شان بنا بر عدم توجه، دروغگویی و آلوده در فساد گسترده مقامات عالی در وزارت معارف، مکتب نرفتند و بیسواد ماندند، از شما حق این تقاضا را داریم که آنانی را که در حق فرزندان افغان خیانت کردند، به دادگاه عدالت بکشانید و پول های فرزندان کشور را از ایشان بگیریید. شما که خود از پول مردم فقیر افغانستان تعلیم دیده اید و امروز به عالی ترین مقام دولت قرار دارید، وظیفه دارید که بدون در نظر داشت مناسبات قومی، سیاسی و آشنایی شخصی، دزدان معارف را به دادگاه علنی و در کمترین وقت، معرفی نمائید. من و ملیونها مادر و پدر اطفال افغان، صداقت ملی شما را در این مورد، البته با حرمت، در محک آزمایش قرار میدهم.

د - پیشنهاداتی چند برای بهبود وضع ابتر معارف کشور به مقامات عالی حکومت وحدت ملی:

من گفتم که متأسفانه حکومت وحدت ملی وظیفه خود را با ارتباط بهبود حالت زار و ابتر معارف در کشور، در برابر مردم افغانستان اجراء نکرد. فلذا باید توجه جدی و فوری به معارف کشور در تمامی سطوح تعلیمات عمومی، مسلکی و تعلیمات عالی بنماید. باید بدانیم که سرنوشت حیات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، امنیتی، دولتداری خوب، ارتقای جامعه هوشیار و پاک نفس، دموکراسی و شخصیت و هویت ملی به نوع، کیفیت و پیشرفت تعلیم و تربیه مناسب و موافق به ضرورت های اصلی وطن ما، تعلق دارد و نباید هیچ کسی از این حقیقت چشم پوشی نماید. ایجاب می نماید که حکومت وحدت ملی افغانستان به زودی کمیسیون عالی موقت به نام (کمیسیون عالی ارزیابی و انکشاف معارف) متشکل از متخصصین افغان که در رشته های تعلیم و تربیه، اقتصاد و امور انکشافی، تخصص، صلاحیت و تجربه کاری داشته باشند و در صداقت و پاک نفسی مشهور باشند، تشکیل نماید. به چنین کمیسیون وظیفه و صلاحیت داده شود که در مدت کوتاه حالت جاری، پیشرفت و مشکلات عمده معارف افغانستان را مطالعه و ارزیابی نماید. ضمناً با نظر داشت ضرورت های امروز و فردای کشور، سیاست ملی و ستراتیژی انکشاف تعلیم و تربیه را تشخیص و تهیه نموده و با پیشنهادات پلان های قصیر المدت، میان مدت و طویل المدت انکشاف معارف در کشور،

در قالب سیاست، ستراتیژی و پلان گذاری عمومی انکشاف اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی افغانستان، به مقامات عالی در کشور تقدیم نماید.

با آنکه مردم افغانستان امید های زیادی از حکومت وحدت ملی داشت که تا حال هیچ یک از وعده های انتخاباتی عملی نشده است، من امیدوارم که این نوشته که با حسن نیت تهیه گردیده، با وسعت نظر از طرف مقامات عالی حکومت وحدت ملی مطالعه گردیده و اقدامات جدی در مدت کوتاه از طرف آن مقام ها در جهت بهبود حالت زار و ابتر معارف کشور صورت گیرد و نه بیسوادی جامعه افغانستان وسعت خواهد یافت و میلیون ها طفل امروز، بیسواد فردا خواهند بود.

در این نوشته، میخوام توجه هموطنان افغانستان دوست خاصاً فرهنگیان محترم را، آنانی که به نقش تعلیم و تربیه و سواد در بهبود حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و رفاه عامه به شمول دموکراسی و ارتقای فرهنگ صلح عقیدت دارند، به آرزو های یک طفل هشت ساله که هنوز افغانستان را ندیده است، اما به وطن آبایی خود و اطفال آن دیار عزیز که هنوز به تعلیم و تربیه دسترسی ندارند، علاقه و وابستگی روحی دارد، جلب نمایم.

این طفلک قشنگ در یک خانواده افغان در فرانسه به دنیا آمده است. او با مادر، پدر، برادر و خواهرش یا به زبان پشتو و یا زبان دری گپ می زند. از مشکلات خاص اطفال افغانستان خاصاً عدم دسترسی اطفال به تعلیم و تربیه اندکی، از طریق گوش دادن به حرف های بابا کلان و پدر و مادرش، آشنا است که تأثیر عمیقی در او نموده است. این طفلک با احساس، آرزو های خود را در این زمینه در یکی از روزهای اخیر سال ۲۰۱۶م با معلمه خود و هم صنف هایش در مکتب، زمانی که معلمه از او پرسیده است (تو از چه می خواهی که در سال ۲۰۱۷م برایت بدهد؟)، صوفیه جان، چنین بیان داشته است:

(من از خداوند میخوام که برای هر طفل در فرانسه و هر طفل در افغانستان همان آرامش حیات و فرصت مکتب رفتن را که برای من میسر ساخته است، آماده سازد.) امید است خداوند آرزوی صوفیه جان هشت ساله را، بر آورده سازد.

(پایان)